

# ادبیات و پزشکی



فکر کنید داروی شبانه تان را می خورید. شعر هم خوب است. ممکن است شعری بخوانید که فشارتان را متعادل کند و خونتان را تصفیه. بعضی شعرها مولتی ویتامین اند، بعضی شاعران ملک الاطباء. راستی داستان کوتاه هم بی تاثیر نیست ها! یعنی خویش، خوب است. اصلا چند وقتی چخوف درمائی کنید. وسط هر وعده غذا، صبحانه و ناهار و شام، یک داستان کوتاه از چخوف بخوانید. حالا سه - چهار ماهی طبق همین نسخه عمل کنید. پادشاه اول پاییز که بنا کرد به وزیدن، یک بار دیگر می آیم احوالپرسی تان.

پروین احمدی

طفلید. دلتان گرفته، اعصابتان ضعیف است. زانوهایتان ذق ذق می کنند. توی سرتان - این طرفش - تیر می کشد. دائم دردی از دست چپ تان می آید تا آخر انگشتان دست راستتان. بی فهمم. ضعف دارید. حال و نا ندارید. خسته اید. دوروبرتان هم همه چیز به هم ریخته است؟

می خواهید بروید یک جای دور که چشمتان بلا نسبت به هیچ بنی بشری نیفتد؟ نه، تو را به خدا گریه نکنید. یک رمان دست بگیرد، از همین امشب. پاور کنید اذاقه می کند. کار خودم هم همین است دیگر و گرنه سر را که از روی کتاب بلند کنم چشمانم آبی سیاهی می رود. فقط مراقب باشید کتابتان تمام نشود. تمام هم که شد یکی دیگر دست بگیرد.

می فرمایید هنوز از سر اتفاق است که سالم مانده اید؟ یا زنده مانده اید و نه سالم؟ خدا نخواست باشد مریضید؟ دکترها درست تشخیص نمی دهند؟ ضد و نقیض می گویند؟ پول آزمایش و عکس ندارید و با درد می سازید؟

بله، می سوزید. خوب اینطوری بیماری تان پیشرفت می کند. از پانم لال پشیمانی می آورد. دائم توی خیابان سروصدای بوق ماشین ها و دعوی پیاده هاست و شما عصبی شده اید؟ قلبتان درد گرفته؟ خانم بچه تان هم کم و بیش رنگ و روی زردی دارد. مشکل چیست؟ به پدرش گفته اید؟ قهزید؟ می خواهید سر به تن بکنید؟ تان نباشد؟ نگویید تو را به خدا. مرگ که حق است دیگر چرا آرزوی او را بکنیم؟ بله، می دانم. گناه دارید. شما هم کودکید.

## کسانی که اهل علم اند زبان هنر را درک نمی کنند

عنايت سمیعی (مستقد ادبی)

به نظر من این دو با هم جمع نمی شوند و هیچ ارتباطی بین ادبیات و پزشکی وجود ندارد. تصادفاً ممکن است کسی اهل هر دو باشد ولی در نهایت، به نفع یکی، دیگری را کنار خواهد گذاشت یا در حاشیه قرار می دهد. عمدتاً روان پزشکی ها یا روان شناسان، کارشان ارتباط نزدیک تری با ادبیات پیدا می کنند ولی پزشکی که تخصص امرایش باشد و در عین حال مثلاً شاعر موفقی هم باشد سراغ ندارد.

البته در گذشته های دور، از نوع «پوعلی» داشته ایم ولی اگر هم شعر خوبی می گفت، به طور اتفاق بوده. چون من اعتقاد دارم که انسان نمی تواند ذهنیت دویاره ای داشته باشد و بتواند به یک اندازه در این دو پایه، موفق عمل کند.

با این وجود کسانی که اهل هنر و ادبیات هستند، مسلماً به امور «روان» نزدیکترند. مثلاً یافته های «داستایوسکی» در زمینه ی روح و روان اگر بیشتر از

## ادبیات و پزشکی، درمانی دوسویه

میهن بهرامی

ولی ما نمی خواهیم موضوع را مسدود کنیم به اینکه او بزرگ ترین درام نویس تا این زمان است چون این لفظ غالباً همراه کننده است. تعیین ارزش کار یک نویسنده به این قاطعیت انسان را همراهی می کند زیرا چخوف بعد از کسانی قرار گرفته مثل شکسپیر و ایسین و در کشور خودش، پیش از او گوگول هست که دارای سبک شناخته شده ی معتبری است اما جهان بینی چخوف و قدرت او در بازآفرینی زندگی انسان



در تاریخ فرهنگ ایران نمونه ی بسیار خوبی از متفکر، نویسنده و محقق و دانشمند وجود دارد که در عین آگاهی از دانش پزشکی و دانش های دیگر کتابی مثل شفا در پزشکی و قانون در تفکر فلسفی به دست داده است که با هر کسی بحث علمی در تاریخ ایران داشته باشیم بی فاصله نام این سینا را بر زبان خواهد آورد. چون این دانشمند ضمن احاطه بر علوم زمان خود دارای طبعی سرشار و در عین علمی و فلسفی فکر کردن، شاعرانه بود. شعر معروف او را به یاد دارید:

اندر دل من هزار خورشید بتافت  
آخر به کمال ذره ای راه نیافت

می توان چنین نتیجه گیری کرد که اگر او بر آگاهی های مفید زمان خود این همه تسلط نداشت و بخصوص ساختار بدن انسان و کاربرد جسمانی و روانی او را - چون یکی از اولین دانشمندان عهد گذشته است که راجع به علم النفس یا دانش شناخت روان انسان هم صحبت کرده است - و در عین حال او حتی بسیاری از راه های درمانی را که خود کشف کرده بود تا امروز در پزشکی باقی گذاشته است. این راه ها اعصاب را طب گیاهی، که اینک بسیار مورد توجه جهان قرار گرفته تا درمان های روانشناختی توسعه می یابد می توانیم اینطور نتیجه بگیریم که در مقایسه با پیشرفت دانش پزشکی در روانشناسی امروز پایه هایی که او در این علوم برجا گذاشته تا حدی کلی و کلاسیک هستند ولی اهمیت آنها از این جهت مورد نظر است که نادیده و برانداخته نشده اند.

چخوف و داستایوسکی از جمله نویسندگان بزرگ و کلاسیک هستند که به توصیفی خانوادگی در رشته پزشکی به تحصیل پرداختند.

به نظر می رسد که شناخت انسان همچنان که از طریق شناخت روان و رفتارهای فردی او انجام می پذیرد، شناختی است که در رابطه نزدیک و تنگاتنگ با کاربردهای نسوج اعضا، گردش خون و جریان های داخل جسم باید انجام پذیرد اگر در این رابطه بخواهیم صحبت کنیم زیگموند فروید که شاهکاری مثل تعبیر رویاها را به جهان تفکر فلسفه روانشناختی ارائه داد نیز نویسنده ی پزشکی است و کار خود را در ابتدا بیشتر در عرصه عصب شناسی و بیماری های جسم آغاز کرد و از آن جا به رابطه ی شکفت انگیز و با اهمیت واکتس های روانی فرد با واکتس های درونی و فیزیکی او رسید.

نوع درمان هایی که در بدو امر در آزمایش های روانشناسی به کار می برد و در ابتدا از محقق و دانشمندی به نام موزم الهام گرفته بود آنچنان وسیع شد که امروز بیماری های جدی جسمانی مثل سردردهای دردناک و ناراحتی های عضوی مغز و اعصاب نیازمند درمانی دو سویه است. یعنی هم جسمی، هم روانشناختی.

بسیاری از آگاهان کتاب تعبیر رویاهای فروید و نظریه ی وجدان یا ناخودآگاه جمعی یونگ را که او نیز پزشک بود، جزو شاهکارهای نویسندگی علمی به حساب می آورند.

اما در عرصه ی ادبیات محض و رابطه اش با پزشکی موضوع بسیار قابل مطالعه می نماید به دلیل اینکه بسیاری از نویسندگان بزرگ به قول خودشان در ابتدا یا به دستور خانواده و یا به خاطر اینکه کار جالب توجه و موضع محکمی در آینده برای خود به وجود آورند به تحصیل در رشته ی پزشکی و قضاوت رو می آوردند.

چخوف و داستایوسکی از جمله نویسندگان بزرگ کلاسیک هستند که به توصیفی خانوادگی در رشته پزشکی به تحصیل پرداختند. چخوف حتی پزشکی را به اتمام رساند.

فروید، نباشد، کمتر نیست. هنر و ادبیات در ظاهر ساده اند ولی پیچیدگی، لایه ی زیرین آنهاست که فقط کسانی که اهل آند، به آن دست می یابند.

تخلیه آنکه در جوامعی از نوع جامعه ی ما، که در مسایل پزشکی، نه آنقدر به امور انسانی اش توجه می شود و نه به ارتقاء تخصص و بیشتر جنبه ی تجارتمندی دارد، یا مقوله ی ادبیات، بیگانگی بیشتری وجود دارد.

کسانی که اهل علم اند، زبان هنر را درک نمی کنند و ورود به هر کدام، تخصص خودشان را می خواهند. این را هم اضافه کنم که اگر کسی مثل «غلام حسین ساعدی» به طبابت پرداخت، برای کسب درآمد، از آن سوء استفاده نمی کرد. او مطبی در پایین شهر داشت.

و برای اقراد کم درآمد، ساعاتی را به طبابت می پرداخت ولی در اصل کارش، ادبیات بود و داستان نویسی.

## نویسندگان و شاعران پزشک که ما می شناسیم

- در جمع آوری این اسامی از یاری این افراد سود جست:
- ۱- خانم مجابی (همسر جواد مجابی)
  - ۲- آقای صفدر تقی زاده
  - ۳- آقای عباس پژمان
  - ۴- خانم ری را عباسی
- اعظم حسن (تویج)
- نویسندگان و شاعرانی که در قید حیات اند:
- ۱- غلام حسین شهریار (البته پزشکی را ادامه نداد) / شاعر
  - ۲- غلام حسین ساعدی / داستان نویس / روان پزشک
  - ۳- بهرام صادقی / داستان نویس / مدت کوتاهی به طبابت پرداخت / پزشک عمومی
  - ۴- سیروس طاهباز / مترجم و محقق / تا سال ششم پزشکی درس خواند ولی به علت علاقه به ادبیات، آن را کنار گذاشت و مجله ی آرش را منتشر کرد.
  - ۵- قاسم غنی / مصحح دیوان حافظ به همکاری محمد قزوینی / پزشک عمومی
  - ۶- سعید نفیسی / نویسنده، محقق و مترجم چند سالی نزد پدر پزشکی آموخته بود
  - ۷- ناظم الاطباء کرمانی پدر نفیسی از نخستین کسانی است که پزشکی نوین را در ایران معمول ساخت و تألیفات متعددی دارد از جمله، فرهنگ نفیسی.
  - ۸- برهان الدین نفیسی یازده پست قبل از سعید نفیسی بوده از پزشکان بنام سده نهم هجری و نویسنده کتاب «شرح اسباب» که از آثار پزشکی کلاسیک ایران به شمار می رود.
  - ۹- تقی مدرس / مترجم / روان پزشک
  - ۱۰- صادق هدایت / داستان نویس / گذران دوره پزشکی و طب
- نویسندگان و شاعرانی که در قید حیات اند:
- ۱۱- دکتر محمد صنعتی / مترجم (ترجمه دو کتاب در رابطه با صادق هدایت / ترجمه آثار بکت) / روانکار
  - ۱۲- دکتر احمد جلیلی / شاعر / روان پزشک
  - ۱۳- دکتر احمد محیط / شاعر / روان پزشک (در حال حاضر ساکن قاهره است)
  - ۱۴- دکتر غلام حسین معتمدی / مترجم و محقق / روان پزشک
  - ۱۵- دکتر امیر حسین سجادیه / شاعر / متخصص دستگاه گوارش
  - ۱۶- دکتر تقی برهانی (برادر رضا برهانی) / مترجم (با غلامحسین ساعدی کار مشترک ترجمه می کرد)
  - ۱۷- دکتر عباس پژمان / مترجم / پزشک عمومی
  - ۱۸- دکتر اصغر الهی / داستان نویس / روان پزشک
  - ۱۹- دکتر منوچهر هزار خانی / پاتولوژی (آسیب شناسی)
  - ۲۰- دکتر سیاوش مطهری / شاعر / دندان پزشک
  - ۲۱- دکتر حسن مرندی / نویسنده و مترجم (دکتر معالج هوشنگ گلشیری)
  - ۲۲- دکتر خسرو پارسا / مترجم / جراح مغز و اعصاب
  - ۲۳- دکتر فرامرز سلیمانی / شاعر و مترجم و منتقد / متخصص اعصاب (در حال حاضر خارج از کشور است)
  - ۲۴- دکتر محمد رضا طاهریان / شاعر (کتاب آوازه های خاکستری) / دندان پزشک
  - ۲۵- دکتر سامان تپسی (مترجم ادبی) / متخصص قلب
  - ۲۶- دکتر صادق مینا (مترجم ادبی)
  - ۲۷- دکتر لئون داویدیان (روان پزشک) / سردبیر فصلنامه فرهنگی پیمان که به ادبیات و فرهنگ ارمنی می پردازد.
  - ۲۸- دکتر امید روحانی (متخصص بیهوشی)
  - ۲۹- دکتر هادی کریمی (پزشک عمومی) / روان نگار و فیلمنامه نویس